

تأثیر ادغام شرکت‌ها بر شروط عدم انتقال (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا)

احمد بیگی حبیب‌آبادی^{۱*}، محمد بیگی حبیب‌آبادی^۲

۱. دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۲. کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۷

دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۸

چکیده

یکی از نوآوری‌های لایحه تجارت، پیش‌بینی مقررات نسبتاً جامع در خصوص ادغام شرکت‌های تجاری است. هنگامی که طرفین قصد انتقال حقوق و تعهدات خود از طریق ادغام را دارند، شروط عدم انتقال که در بسیاری از قراردادهای مشاهده می‌گردد، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

در آمریکا، رویه قضایی و قوانین ایالتی در خصوص اثر ادغام بر شروط عدم انتقال موضع واحدی ندارند. براساس اکثر قوانین ایالتی راجع به ادغام شرکت‌ها، با تحقق ادغام انتقال کلیه دارایی‌ها و مسئولیت‌ها به شرکت‌های بازمانده یا ادغام‌کننده به حکم قانون است و انتقال ارادی محسوب نمی‌شود و در نتیجه در هیچ موردی ادغام نقض شروط عدم انتقال محسوب نمی‌گردد، اما دادگاه‌ها در بعضی دیگر از ایالت‌ها عقیده مخالف داشته، بر این باورند که انتقال دارایی‌ها و تعهدات به این‌گونه شرکت‌ها ارادی محسوب می‌شود.

گروه دیگری از دادگاه‌ها عقیده معتدل‌تری دارند. عقیده آنان این است که چنانچه ادغام متضمن ضرر و خطری برای اشخاص ثالث باشد، انتقال از طریق ادغام ممنوع است. در حقوق ایران، قوانین و مقررات جاری و به‌ویژه لایحه تجارت نسبت این موضوع ساکت

احمد بیگی حبیب‌آبادی و همکار _____ تأثیر ادغام شرکت‌ها بر شروط...

است. آنچه از مقررات قانونی در این زمینه استنباط می‌گردد آن است که ادغام، انتقال ارادی حقوق و تعهدات است و در نتیجه، ادغام موجب تخلف از شروط عدم انتقال است.

واژگان کلیدی: ادغام، شروط عدم انتقال، انتقال به حکم قانون، انتقال ارادی

۱. مقدمه

ادغام معمولاً بر دو نوع است: «ادغام ساده» (یک جانبه) و «ادغام مرکب» (دوجانبه) [۱]، ص ۳. چنانچه کلیه حقوق و دارایی‌ها و تعهدات دو یا چند شرکت تجاری به یکی از آن‌ها منتقل شود، ادغام ساده و چنانچه به یک شرکت جدید منتقل شود، ادغام مرکب نام دارد. شرکت تشکیل شده در نتیجه ادغام مرکب را «شرکت جدید» و شرکتی که شرکت‌های دیگر را در خود ادغام می‌کند «شرکت بازمانده» و شرکتی که در اثر ادغام شخصیت حقوقی خود را از دست می‌دهد، «شرکت منحل شده» نامیده می‌شود.

در ماده ۵۹۰ لایحه تجارت که اخیراً به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده نیز ادغام شرکت‌ها به دو قسم ساده و مرکب تقسیم شده است.^۱ همین تقسیم‌بندی در ماده ۱۰۵ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴ - ۱۳۹۰)، مصوب ۸۹/۱۰/۱۵ و آیین‌نامه اجرایی اصلاحی قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مصوب ۹۲/۱/۱۸ مشاهده می‌گردد.

بعضی در تعریف ادغام ساده گفته‌اند: ادغام ساده قراردادی است که به وسیله آن یکی از شرکت‌ها کلیه دارایی‌ها و تعهدات شرکت دیگر را تحصیل می‌کند. سهامداران شرکت ادغام شده در قبال سهام خود وجه نقد و یا سهام شرکت بازمانده را دریافت می‌کنند [۲، ص ۱۷].

در مورد ادغام مرکب، بعضی در تعریف آن گفته‌اند: قراردادی است که به موجب آن شخصیت حقوقی کلیه شرکت‌های تجاری درگیر در قرارداد ادغام از بین رفته، در

۱. ماده ۵۹۰ لایحه یاد شده چنین مقرر می‌دارد: ادغام شرکت‌ها به دو قسم ساده و مرکب انجام می‌گیرد. به جذب یک یا چند شرکت در شرکت دیگر ادغام ساده و به تشکیل شرکت جدید از طریق ادغام حداقل دو شرکت در یکدیگر، ادغام مرکب اطلاق می‌شود...


یک شرکت تجاری که توسط طرفین ایجاد می‌گردد، ترکیب می‌شوند و شرکت جدید کلیه داراییهای شرکت‌های قبلی را تصاحب می‌کند^[۲، ص ۱۲]. در حقوق ایران، در بند ۱۶ ماده یک قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب، ۱۳۸۶/۱۱/۸ در تعریف ادغام چنین بیان می‌کند: «ادغام اقدامی است که براساس آن چند شرکت، ضمن محو شخصیت حقوقی خود، شخصیت حقوقی واحد و جدیدی تشکیل دهند یا در شخصیت حقوقی دیگری جذب شوند».

همان‌طور که ملاحظه گردید، یکی از مهم‌ترین آثاری که ادغام بر شرکت منحل شده می‌گذارد آن است که ادغام صرفنظر از نوع آن، موجب انتقال کلیه حقوق و تعهدات شرکت تجاری پذیرنده ادغام به شرکت تجاری بازمانده یا جدید می‌شود^[۳، ص ۱۵۸۲]. به عبارت دیگر، شرکت جدید یا بازمانده قائم‌مقام عام شرکت یا شرکت‌های منحل شده، در صورتی که شرکت یا شرکت‌های منحل با اشخاص ثالث قرارداد منعقد کرده باشند، شرکت جدید یا بازمانده جانشین کلیه آن قراردادهای می‌شود و در واقع با انتقال موقعیت قراردادی روبه‌رو هستیم. قائم‌مقامی شرکت یا شرکت‌های بازمانده یا جدید یکی از نکاتی است که در ماده ۶۱۰ لایحه تجارت به آن تصریح^۱ و در بند «الف» ماده ۱۰۵ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۸۹/۰/۱/۱۵ به طور ضمنی به آن اشاره شده است.^۲

یکی از مسائل مهمی که در انتقال حقوق و تعهدات مطرح می‌شود، موضوع شروط قراردادی و محدودیت‌های قانونی در نقل و انتقال است. بعضی از قراردادهایی که شرکت‌ها با اشخاص ثالث منعقد می‌کنند، متضمن شروطی است که شرکت را از انتقال قرارداد منع می‌کند. مثلاً در قراردادهای بیمه معمولاً بیمه‌گر با درج شرطی در قرارداد

۱. ماده یاد شده در این مورد چنین مقرر می‌دارد: «شرکت‌های جدید در تجزیه کلی و ادغام مرکب و نیز شرکت بازمانده در ادغام ساده قائم‌مقام شرکت یا شرکت‌های منحل شده‌اند...».

۲. ماده ۱۰۵ قانون یاد شده چنین مقرر می‌دارد: «الف... کلیه حقوق و تعهدات، دارایی، دیون و مطالبات شرکت یا شرکت‌های موضوع ادغام، به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید منتقل می‌شود».

احمد بیگی حبیب‌آبادی و همکار _____ تأثیر ادغام شرکت‌ها بر شروط... 

بیمه‌گذار را از انتقال بیمه‌نامه منع می‌کند. همچنین ممکن است انتقال بعضی امتیازات یا پروانه‌هایی که دولت به اشخاص می‌دهد، موکول به تأیید مقام یا مرجع خاصی باشد.^۱ حال بحث این است که آیا شرکت‌های تجاری می‌توانند بدون رعایت این‌گونه محدودیت‌ها با انجام حقوق مزبور را انتقال دهند؟ در این ارتباط نظریه‌های مختلفی ابراز شده است.

از آن‌جا که در حقوق آمریکا در این ارتباط به تفصیل صحبت شده ابتدا موضع حقوق این کشور را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده، سپس به موضع حقوق ایران و به‌ویژه لایحه تجارت مصوب ۱۳۹۳/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی که به منظور بررسی و تأیید به شورای نگهبان ارسال گردیده است، پرداخته، در پایان به موضع دو کشور در این ارتباط را مقایسه می‌کنیم.

۲. تجزیه و تحلیل نظریه‌ها و نقد آن‌ها در حقوق آمریکا

در حقوق آمریکا، به تفصیل به این مسأله پرداخته شده است و آرای مختلفی در این زمینه صادر شده است. لذا در این قسمت نظریه‌های ابرازی از سوی دادگاه‌های این کشور و موضع بعضی از ایالت‌ها را بیان کرده، به تجزیه و تحلیل آن‌ها می‌پردازیم:

۲-۱. نظریه‌های ابرازی

دادگاه‌های این کشور در مورد اثر ادغام بر شروط منع نقل و انتقال و محدودیت‌های قانونی اختلاف نظر دارند و سه نظریه در این ارتباط ابراز شده است: (۱) نظریه انتقال به

۱. برای مثال ماده ۷ قانون اصلاح قانون معادن، مصوب، ۱۳۹۰/۸/۲۲ در این مورد چنین بیان می‌دارد: «وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است پس از رسیدگی به گزارش عملیات اکتشاف که توسط اشخاص حقیقی و حقوقی ذیصلاح گواهی شده است و تأیید آن نسبت به صدور گواهی کشف به نام دارنده پروانه اکتشاف اقدام نماید. در گواهی کشف باید نوع یا انواع ماده معدنی کشف شده، کمیت و کیفیت آن، حدود و مساحت زمین مورد اکتشاف و هزینه عملیات اکتشافی ذکر شود. گواهی کشف با تأیید وزارت صنعت، معدن و تجارت ظرف یک سال از تاریخ صدور قابل انتقال به اشخاص ثالث است.»

حکم قانون، ۲) نظریه نقض شرط، ۳) نظریه بینابین.

۲-۱-۱. نظریه انتقال به حکم قانون

بیش‌تر دادگاه‌ها در ایالات متحده آمریکا بر این عقیده هستند که ادغام انتقال به حکم قانون است و براساس این نظریه ادغام موجب نقض شرط عدم انتقال نمی‌شود [۴، ص ۹۶]. اعتقاد آن‌ها آن است که ادغام مخلوق اراده قانونگذار است و انتقال از طریق ادغام انتقال ارادی تلقی نمی‌شود [۵، ص ۴۴].

در بعضی قوانین ایالتی مانند آلاباما، آلاسکا، آرکانزاس، کلرادو، کانزاس، لوئیزیانا، وایومینگ و تگزاس^۱ نیز به این موضوع اشاره شده و ادغام انتقال ارادی حقوق و تعهدات تلقی نمی‌شود، زیرا تمایل این ایالت‌ها آن است که فعالیت‌های تجاری را ارتقا داده، ادغام شرکت‌ها به صورت مختلف را تسهیل کنند [۶، ص ۱ و ۲]. همچنین هنگامی که انتقال به حکم قانون انجام می‌شود، دادگاه‌ها تمایلی به لازم‌الاجرا بودن شرط عدم انتقال ندارند، زیرا معتقدند این امر مانع تجارت آزاد می‌شود و برخلاف نظم عمومی است [۷، ص ۵۲۱].

قانون نمونه شرکت‌های تجاری آمریکا که توسط قانون وکلا تهیه شده و اکثر ایالات در آمریکا آن را پذیرفته و آن را در قانون ایالتی خود وارد کرده‌اند، حکم صریحی در این مورد ندارد،^۲ اما تفسیر رسمی که در ارتباط با این ماده ارائه گردیده معتقد است ادغام، انتقال ارادی محسوب نمی‌گردد و انتقال از طریق ادغام موجب نقض شرط عدم انتقال نیست [۸، ص ۲۶۵].

دادگاه‌های ایالت‌های مختلف آمریکا نیز عموماً همین باور را داشته، معتقد به قائم‌مقامی شرکت جدید یا بازمانده هستند. برای مثال به چند نمونه از آرای آن‌ها به شرح زیر اشاره می‌شود:

۱. برای مثال رجوع کنید به ماده ۱۵۲۴ قانون اصلاحی شرکت با مسئولیت محدود تگزاس مصوب ۲۰۰۷.

۲. شق ۳ بند ۷ ماده ۱۱ قانون نمونه مذکور چنین مقرر می‌دارد:

11.07 (3) all property owned by, and every contract right possessed by, each corporation or eligible entity that merges into the survivor is vested in the survivor without reversion or impairment.



احمد بیگی حبیب‌آبادی و همکار ————— تأثیر ادغام شرکت‌ها بر شروط...

۱. در پرونده دودیر علیه باشگاه بیسبال لویس (۱۹۵۱)^۱ قرارداد مربوط به اجاره ملکی برای زمین ورزشی بود و شرط مندرج در قرارداد، انتقال اجاره را منع می‌کرد. شرکت سهامی مستأجر در شرکت سهامی مادر خود ادغام شد. موجر بر مبنای نقض شرط عدم انتقال برای تخلیه ملک اقامه دعوا کرد. دادگاه بیان داشت طبق قانون ایالت میسوری هرچند با انجام ادغام، شرکت تجاری منحل می‌شود و شخصیت حقوقی خود را از دست داده، دارایی‌هایش به شرکت بازمانده منتقل می‌گردد، اما انحلال شرکت و انتقال حقوق آن به حکم قانون انجام می‌شود. سپس دادگاه با تکیه بر لفظ انتقال در قرارداد اجاره بیان داشت لفظ یاد شده ناظر به انتقال ارادی است و آنچه مشروطاً علیه از آن منع شده انتقال ارادی قرارداد است، نه انتقالی که به حکم قانون انجام می‌شود. بنابراین، دادگاه رأی داد شرکت سهامی منحل شده نقض شرطی نکرده است [ص ۹، ۲].
۲. در پرونده شرکت آمریکن کمنت علیه دونتز بروس^۲ (۱۹۶۵) شرکت سهامی که دارای حقوق رهنی بود در شرکت دیگر ادغام شد. به موجب قانون ایالت نیویورک، انتقال حق رهن مستلزم ثبت آن در مراجع قانونی است و برای انتقال معتبر حقوق رهنی لازم است نسخه‌ای از سند انتقال تسلیم مرجع ثبت شود. دادگاه نیویورک بر این عقیده است که انتقال حقوق و تعهدات در ادغام که براساس قانون شرکت‌های تجاری نیویورک، مصوب ۱۹۶۱^۳ انجام می‌شود، به حکم قانون و قهری است؛ لکن ممنوعیت انتقال حقوق رهنی بدون رعایت تشریفات ناظر به انتقال ارادی است. علت این امر آن است که شرکت سهامی بازمانده منتقل‌الیه نیست، بلکه جانشین شرکت سهامی منحل شده است. در نتیجه، دادگاه نیویورک رأی داد با تحقق ادغام حق رهن به شرکت سهامی بازمانده منتقل می‌شود، هرچند رعایت تشریفات قانونی در آن نشده باشد [ص ۱۰، ۵۰].
۳. دادگاه عالی ایالت پنسیلوانیا در پرونده شرکت سانتافه انرژی ریسورسز علیه

1. Dodier Realty & Inv. Co. v. Louis Nat. Baseball Club, Inc., 1951
2. American Cement Corp. v. Dunetz Bros., Inc., 1965
3. New York Business Corporation Law, 1961, Article 906(a)(2)

منرز (۱۹۹۳)^۱ نیز جانشینی شرکت ادغام‌کننده را مورد پذیرش قرار داد. در این پرونده انتقال قرارداد اجاره نفت و گاز بدون رضایت مالکین ممنوع بود. در سال ۱۹۹۲ شرکت طرف قرارداد در شرکت سانتافه انرژی ریسورسز ادغام گردید. دادگاه یاد شده رأی داد ادغام انتقال ارادی تلقی نمی‌شود، بلکه شرکت ادغام‌کننده جانشین شرکت ادغام شده تلقی می‌شود [۶، ص ۲].

۴. دادگاه ایالت آیوا در پرونده شرکت الکساندر و الکساندر علیه کوئلز (۲۰۰۶)^۲ نیز معتقد است ادغام انتقال ارادی محسوب نمی‌گردد. در این پرونده، در قرارداد استخدامی شرط شده بود که کارکنان نباید برای شرکت‌های رقیب کار کنند. شرکت طرف قرارداد در یک شرکت دیگر ادغام شد و شرکت ادغام‌کننده معتقد بود شرط مقرر در قرارداد پابرجا است، اما کارکنان شرکت معتقد بودند با انجام ادغام، دیگر تعهدی به رعایت شرط ندارند. دادگاه استدلال کارکنان شرکت را نپذیرفت [۶، ص ۷].

۵. در پرونده مزو اسکیل علیه روش دایاگنوستیکس (۲۰۱۳)^۳ قرارداد بهره‌برداری از تکنولوژی بین خوانده و شرکت بایو وریس منعقد شده و حاوی شرطی بود که هرگونه انتقال آن را ممنوع می‌کرد. شرکت خواننده شرکت یاد شده را در خود ادغام کرد. دادگاه ایالت دلیور معتقد بود انتقال از طریق ادغام نقض شرط عدم انتقال بوده، انتقال به حکم قانون نیست [۹، ص ۱].

بعضی دادگاه‌ها معتقدند اگر در قرارداد اجاره صرفاً انتقال از جانب مستأجر بدون رضایت موجد منع شده باشد، بدون این‌که اشاره شود انتقال اجاره به حکم قانون نیز ممنوع است، انتقال از طریق ادغام نقض شرط مقرر در قرارداد تلقی نمی‌شود [۱۱، ص ۹۰]. بعض دیگر معتقدند اگر قصد طرفین آن است که حقوق قراردادی حتی از طریق ادغام ممنوع باشد، باید این موضوع در قرارداد قید شود. در این صورت، حقوق قراردادی به موجب ادغام قابل انتقال نخواهد بود [۵، ص ۹۰].

1. Santa Fe Energy Resources, Inc. v. Manners, 1993

2. Alexander & Alexander, Inc. v. Koelz (2006)

3. Meso Scale Diagnostics, LLC v. Roche Diagnostics GmbH (2013)



۲-۱-۲. نظریه نقض شرط عدم انتقال

در این نظریه، ادغام موجب نقض شرط عدم انتقال می‌شود. برای مثال، در پرونده شرکت پی.پی.جی علیه گاردین^۱ (۱۹۷۹)، به موجب قراردادی هریک از شرکت‌های یاد شده از مزایای حق اختراع دیگری در تولید شیشه استفاده می‌کردند و در قرارداد شرط شده بود که هیچ‌یک از طرفین حق انتقال مزایای ناشی از حق اختراع را ندارد. شرکت سهامی «پرمگلاس» در شرکت سهامی ثالث ادغام شد و شرکت سهامی «پی.پی.جی.» مدعی نقض قرارداد بود. دادگاه منطقه‌ای ششم استیناف که قانون ایالت اوهایو را اعمال می‌کرد، معتقد بود انتقال، انتقال است؛ چه به حکم قانون تحقق یابد و چه به اراده طرفین و رأی داد شرکت سهامی «پرمگلاس» با انجام ادغام، شرط مندرج در قرارداد را نقض کرده است [۱۲، ص ۲۷۱]. اعتقاد دادگاه یاد شده آن بود که حق اختراع قابل انتقال نیست، مگر این‌که توافق صریحی برخلاف آن شده باشد [۱۳، ص ۲۵].

سی سال بعد دادگاه یاد شده در پرونده شرکت سین کام سیستمز علیه شرکت ناولیس^۲ (۲۰۰۹) نیز به همین نتیجه رسید. در این پرونده شرکت دارای پروانه بهره‌برداری از یک نرم‌افزار رایانه‌ای به موجب قرارداد از انتقال آن منع شده بود. شرکت دارای پروانه در چندین مرحله در شرکت‌های دیگر ادغام گردید. دادگاه رأی داد هرگونه نقل و انتقالی ممنوع است، مگر این‌که توافق صریحی برخلاف آن شده باشد [۱۴، ص ۱].

همان‌طور که در مثال‌های بالا مشاهده گردید، چنانچه شرکت منحل شده بدون رعایت مقررات قانونی در انتقال حقوق قراردادی و یا شروط قراردادی در شرکت دیگر ادغام شود، انتقال انجام شده، موجب نقض قرارداد منعقد با شرکت ثالث می‌گردد. گاه در ادغام، شرکتی که دارای حقوق غیر قابل انتقال از ثالث بوده، شرکت دیگری را در خود ادغام می‌کند. در این حالت نیز بعضی از دادگاه‌ها چنین ادغامی را موجب نقض شرط مندرج در قرارداد با ثالث می‌دانند. برای مثال در پرونده شرکت اس کیو ال

1. PPG Industries, Inc. v. Guardian Industries Corp. 1979
2. Cincom Systems Inc. v Novelis Corp., 2009

سولوشنز علیه شرکت اراکل^۱، در سال ۱۹۸۷ شرکت اراکل قرارداد انحصاری خدمات نرم‌افزار رایانه‌های با شرکت دی اند ان. سیستمز^۲ منعقد کرد. مجوز استفاده به شرکت دی اند ان. سیستمز داده شد، مشروط بر این‌که حقوق اعطایی بدون اجازه کتبی شرکت اراکل به شخص ثالث منتقل نشود. سه سال بعد شرکت دی اند ان، شرکت سایبیساب^۳ را در خود ادغام کرد و به‌عنوان شرکت بازمانده نام شرکت خود را تغییر داد و نام شرکت اس.کیو.ال. سلوشنز را برای خود انتخاب کرد. هنگامی که شرکت اراکل از موضوع اطلاع یافت، فسخ قرارداد را اعلام کرد. دادگاه ایالت کالیفرنیا رأی داد اقدام شرکت اراکل مبنی بر فسخ قرارداد صحیح بوده است؛ زیرا شرط مقرر در قرارداد مبنی بر عدم انتقال، شرکت دی اند ان را از انتقال حقوق خود به هر شخص ثالث منع کرده است [۱۵، ص ۸۱]. اعتقاد دادگاه یاد شده آن بود که شرکت بازمانده با انجام ادغام شرکت دیگر در خود، شرط قراردادی را نقض کرده است [۱۶، ص ۸۱].

۳-۱-۲. نظریه بینابین

بر طبق این نظریه، ادغام هنگامی موجب نقض شرط عدم انتقال می‌گردد که موجب ورود ضرر برای اشخاص ثالث باشد. برای روشن شدن موضوع به چند پرونده که از محاکم امریکایی در این زمینه صادر شده است، اشاره می‌کنیم:

۱. در پرونده امپریال علیه شرکت بیمه مالی فایرمن (۱۹۷۶)^۴ شرکت «کارپیت میلز»^۵ محصولات خود را در مقابل آتش‌سوزی در شرکت «صندوق بیمه فایرمن»^۶ بیمه کرد. در بیمه‌نامه شرط شده بود که انتقال منافع بیمه بدون رضایت بیمه‌گر تعهدی برای بیمه‌گر ایجاد نمی‌کند. شرکت «کارپیت میلز» در شرکت سهامی «ایمپریال اینترپرایزن»^۷ که شرکت مادر آن بود، ادغام شد. پس از مدتی، محصولات بیمه‌شده در اثر

1. SQL Solutions, Inc. v. Oracle, Corp.
2. D& N Systems Inc.
3. SybaseSub
4. Imperial Enterprises, Inc. v. Fireman's Fund Insurance Co., 1976
5. Carpit Mills
6. Fireman's Fund Insurance
7. Imperial Enterprises

آتش‌سوزی از بین رفت و شرکت سهامی بازمانده درصدد جبران خسارت وارد شده از طریق شرکت سهامی بیمه‌گر شد. شرکت بیمه‌گر از پرداخت خسارت براساس بیمه‌نامه خودداری کرد. شرکت بازمانده برای جبران خسارت اقامه دعوا کرد. دادگاه منطقه‌ای پنجم که قانون ایالت جورجیا را اعمال می‌کرد، رأی دادگاه بخش را نقض کرد و مسأله را تابع نقض یا عدم نقض شرط انتقال در بیمه‌نامه دانست. دادگاه در رأی خود به قانون ایالت جورجیا در مورد ادغام اشاره می‌کند که مقرر می‌دارد: «کلیه حقوق، امتیازات و حقوق انحصاری شرکت سهامی منحل شده، بدون هرگونه اقدام یا عملی به شرکت سهامی بازمانده منتقل می‌گردد» و به همین مناسبت بر این عقیده است که تعارض صریحی بین قانون و شرط قراردادی وجود دارد و طبق یک قاعده تفسیری، هنگامی که شرط قراردادی معارض با قانون باشد، قانون حاکم است. دادگاه معتقد است انتقال قانونی از طریق ادغام قرارداد بیمه را مبهم می‌سازد، زیرا معلوم نیست شرط عدم انتقال، انتقال به حکم قانون را شامل می‌شود یا نه و لذا در این حالت باید واقعیات موجود و اوضاع و احوال حاکم بر معامله مورد نظر قرار گیرد تا مشخص شود انتقال بیمه‌نامه در اثر ادغام قانونی موجب بروز خطر یا ضرر بیش‌تر برای بیمه‌گر می‌شود یا خیر. در نهایت دادگاه رأی داد ادغام انجام شده موجب بروز خطر بیش‌تر برای بیمه‌گر نبوده است [۱۵، ص ۲].

۲. همین تفسیر در پرونده شرکت پاکستون و شرکت ویرلینگ استیل علیه شرکت گریت ام. اینس^۱ (۱۹۸۰) توسط دادگاه ایالت نبراسکا مورد تأیید قرار گرفت و دادگاه معتقد بود شرط عدم انتقال در بیمه‌نامه در جایی که انتقال به حکم قانون انجام شده باشد، اعمال نمی‌شود، مگر این‌که انتقال موجب بروز ضرر بیش‌تر برای بیمه‌گر باشد. دادگاه رأی داد ادغام شرکت بیمه‌شده در شرکت سهامی دیگر خطر بیش‌تری را برای بیمه‌گر ایجاد نکرده است و لذا شرط قراردادی نقض نشده است.

۳. در پرونده شرکت مرلند کاس علیه دبلو آر گریس^۲ (۱۹۹۱)، در بیمه‌نامه شرط عدم انتقال درج شده بود. شرکت سهامی بیمه‌گذار در شرکت سهامی دیگر ادغام شد.

1. Paxton & Vierling Steel Co. v. Great Am. Ins. Co., 1980

2. Maryland Cas. Co. v. W.R. Grace & Company, 1991

دادگاه بخش که قانون نیویورک را اعمال می‌کرد معتقد بود با توجه به بند ۲ ماده «ب» ۹۰۶ قانون شرکت‌های تجاری نیویورک، مصوب^۱ ۱۹۶۱، معلوم نیست ادغام شرکت بیمه‌گذار به منزله انتقال بیمه‌نامه بوده و در نتیجه موجب نقض شرط عدم انتقال شده باشد. لکن دادگاه در تفسیر شرط از خود انعطاف نشان داد و رأی داد ادغام موجب ورود ضرر بیش‌تر برای بیمه‌گر نبوده است و لذا شرط مندرج در قرارداد نقض نشده است [۱۷، ص ۳].

۴. در پرونده شرکت نول فارماسیوتیکال علیه شرکت اتوموبایل (۲۰۰۱)^۲ دادگاه معتقد بود براساس قانون ایالت النویز، شرط عدم انتقال حقوق قراردادی در قرارداد بیمه تأثیری بر قابلیت انتقال آن حقوق از طریق ادغام ندارد [۱۸، ص ۳] و استدلال دادگاه یاد شده آن است که ادغام موجب ضرر فزاینده‌ای برای شرکت بیمه نیست، زیرا شرکت بیمه فقط در قبال حوادث تحت پوشش بیمه شرکت ادغام شده در قبال شرکت بازمانده مسؤول است [۱۹، ص ۳۹۴].

۲-۲. تجزیه و تحلیل نظریه‌ها

محاکم امریکا برای تحلیل موضوع از دو روش استفاده می‌کنند [۲۰، ص ۱۰۴۹ و ۱۰۵۰]: روش اول که آن را روش صوری^۳ (روش مبتنی بر صورت و ظاهر لفظ) می‌نامند، مبتنی بر تفسیر لفظی معنا و مفهوم لفظ انتقال است؛ بدین معنا که براساس این روش برای تعیین این‌که آیا ادغام قانونی موجب نقض شرط عدم انتقال می‌شود یا نه باید به مفهوم لفظ انتقال توجه کرد. لفظ انتقال در دو معنای مضیق و موسع به کار می‌رود. معنای مضیق آن فقط انتقالات ارادی را در بر می‌گیرد، در حالی که در معنای موسع شامل انتقالات غیرارادی و به حکم قانون نیز می‌شود. چنانچه لفظ انتقال که در قانون یا

۱. ماده یاد شده چنین مقرر می‌دارد:

"All property, real and personal, including subscription to shares, causes of action and every other asset of each of the constituent entities, shall vest in such surviving or consolidated corporation without further act or deed".

2. Knoll Pharmaceutical Co. v. Automobile Ins. Co. of Hartford(2001)

3. Formalistic approach

احمد بیگی حبیب‌آبادی و همکار _____ تأثیر ادغام شرکت‌ها بر شروط...

قرارداد به کار رفته است در معنای موسع به کار رفته باشد، انتقال حقوق و تعهدات از طریق ادغام نقض شروط قراردادی است، اما در صورتی که لفظ انتقال در معنای مضیق به کار رفته باشد، تعارضی میان شروط قراردادی یا مقررات قانونی و انتقال از طریق ادغام وجود ندارد.

روش دوم که آن را روش کارکردی^۱ می‌نامند به جای تکیه به مفهوم لفظ انتقال به واقعیات موجود و اوضاع و احوال حاکم بر قرارداد توجه دارد. استدلال قائلین به این روش آن است که وقتی معنای لفظ مبهم است، دیگر قابل استناد نیست و با تمسک به آن نمی‌توان به تحلیل موضوع پرداخت. در نتیجه باید به واقعیات توجه شود. چنانچه با توجه به هدفی که قانونگذار براساس آن انتقال حقی را منع کرده است و یا با توجه به اوضاع و احوالی که بر قرارداد حاکم است، انتقال حقوق موجب ضرر برای دولت یا اشخاص ثالث شود، انجام ادغام در تعارض با شروط قراردادی است.^۲

۲-۳. نقد نظریه‌ها

روش‌های صوری و کارکردی که از سوی محاکم امریکا در تحلیل موضوع ارائه شده است می‌تواند مورد انتقاد واقع شود؛ زیرا: اولاً روش صوری که با تمسک به مفهوم لفظ درصدد تحلیل موضوع است، با این اشکال مواجه است که لفظ انتقال معنای صریح و روشنی ندارد و در معنای موسع و مضیق استعمال می‌شود و این امر باعث شده است که حتی بین قائلین این روش نیز وحدت نظر نباشد. مثلاً در پرونده دودیر علیه باشگاه بیسبال لویس دادگاه با تمسک به روش صوری رأی داد شرکت سهامی منحل شده نقض شرطی نکرده است [۱۰، ص ۴۸]. برعکس، در پرونده پی.پی.جی علیه گاردین دادگاه با تمسک به روش یاد شده،

1. Functional approach

۲. در پرونده‌های زیر دادگاه براساس روش کارکردی رأی داده است:

Imperial Enterprises, Inc. v. Fireman's Fund Insurance Co., 1976; Paxton & Vierling Steel Co. v. Great Am. Ins. Co., 1980; Maryland Cas. Co. v. W.R. Grace & Company, 1991; Seaboard Air Line Railway v. United States, 1921.

به نتیجه‌ای کاملاً متفاوتی دست یافت.

ثانیاً روش کارکردی ظاهراً مناط حکم را وجود ضرر می‌داند و نه صرف انتقال. این روش از آن‌جا که به واقعیت‌ها توجه دارد مطلوب است، لکن کمکی به حل قطعی موضوع نمی‌کند، زیرا به جای حل قطعی موضوع، مسأله را موکول به ورود یا عدم ورود ضرر به مشروطه یا ذینفع می‌کند و این خود موجب اختلاف دیگری بین طرفین در خصوص تحقق ضرر است.

به نظر می‌رسد روش اخیر در مجموع مناسب‌تر از دو روش دیگر است، زیرا ادغام نباید موجب افزایش ضرر مشروطه شود. به عبارت دیگر، تفسیر لفظی به لحاظ ابهام آن کمک زیادی به حل موضوع نمی‌کند، لکن چنانچه مناط در تجویز ادغام عدم ورود ضرر به اشخاص ثالث باشد، با ارجاع امر به کارشناس نیل به نتیجه مطلوب آسان‌تر است.

۳. حقوق ایران

در حقوق ایران، مقررہ صریحی در این مورد وجود ندارد. برای حل موضوع باید به جایگاه شرکت بازمانده یا جدید توجه کرد. به عبارت دیگر سؤالی که در این‌جا مطرح می‌شود آن است که آیا می‌توان گفت شرکت‌های فوق مانند وراث، قائم‌مقام عام شرکت‌های منحل شده‌اند. هرچند به نظر می‌رسد قائم‌مقامی شرکت بازمانده یا جدید مانند وراث عام است، به این معنا که ناظر به مال یا حق یا تعهد معین نیست و شامل کلیه اموال، حقوق و تعهدات می‌گردد، لکن قائم‌مقامی شرکت‌ها در ادغام از جهت این‌که نتیجه اراده شرکت‌های طرف ادغام است با قائم‌مقامی وراث متفاوت است. به عبارت دیگر، هرچند انتقال حقوق و تعهدات در هر دو به حکم قانون انجام می‌شود، لکن در انتقال از طریق فوت، برخلاف ادغام، اراده هیچ‌گونه نقشی ندارد.

برای روشن شدن اثر ادغام بر شروط عدم انتقال باید روش تحقق ادغام مورد توجه قرار گیرد. از این جهت تحقق ادغام به دو روش ممکن است. در روش اول، قانونگذار رأساً مبادرت به ادغام شرکت‌ها می‌کند. در روش دوم، قانونگذار اختیار ادغام را بر عهده شرکت‌های تجاری قرار داده، شرکت‌ها با رعایت مقررات قانونی می‌توانند مبادرت به ادغام کنند. در ذیل به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۳-۱. اثر ادغام به حکم قانون بر شروط عدم انتقال

در موردی که قانونگذار رأساً مبادرت به ادغام دو یا چند شرکت دولتی می‌کند، می‌توان گفت اراده طرفین تأثیری در تحقق ادغام ندارد و ادغام به حکم قانون و به نحو قهری انجام می‌گیرد. برای مثال در مورد ادغام شرکت‌های بیمه آریا، امید، پارس و غیره در شرکت بیمه دانا، قانونگذار به موجب تبصره ۱ ماده ۱ قانون اداره امور شرکت‌های بیمه، مصوب ۱۳۶۷ رأساً شرکت‌های یاد شده را در شرکت بیمه دانا ادغام کرد. در این حالت، به نظر می‌رسد چون اراده طرفین تأثیری در تحقق ادغام ندارد و قانونگذار خود اجازه ادغام را داده است، شرکت جدید و یا بازمانده، قائم‌مقام شرکت‌های منحل شده می‌گردد. بنابراین، در صورتی که شرط عدم انتقال در قراردادهای بین یک شرکت و اشخاص ثالث درج شده باشد و منظور طرفین منع انتقال ارادی باشد، انجام ادغام تخلف از شروط قراردادی محسوب نمی‌شود، زیرا اراده شرکت اساساً در انتقال نقشی نداشته است؛ لکن در صورتی که به موجب شرط مندرج در قرارداد، انتقال ولو از طریق ادغام ممنوع شده باشد، طرف مقابل می‌تواند از ضمانت اجرای تخلف از شرط استفاده کند.

۳-۲. اثر ادغام با توافق شرکت‌های طرف ادغام بر شروط عدم انتقال

در موردی که قانونگذار انجام ادغام را به عهده خود شرکت‌ها گذاشته است،^۱ سؤال اساسی آن است که آیا ادغام به حکم قانون انجام می‌شود یا اراده طرفین در آن تأثیر دارد؟ به عبارت دیگر، انتقال حقوق و تعهدات در ادغام ارادی است یا به حکم قانون؟ اگر انتقال ارادی باشد، شرکت منحل شده بدون موافقت مشروطه نمی‌تواند حقوق خود را از طریق ادغام به دیگری منتقل کند. برای مثال به موجب ماده ۱۷ قانون پیش‌فروش ساختمان

۱. به موجب ماده ۵۳ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳/۶/۱۳۷۰، قانونگذار به مجامع عمومی فوق‌العاده شرکت‌های تعاونی اجازه داده است که نسبت به ادغام شرکت‌های تعاونی اقدام کنند. همچنین ماده ۱۰۵ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران ادغام شرکت‌های تجاری در چارچوب اساسنامه آن شرکت در سایر شرکت‌های تجاری موضوع ادغام را مجاز اعلام کرده است.

(مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۲) واگذاری تمام یا بخشی از حقوق و تعهدات پیش‌فروشنده نسبت به واحد پیش‌فروش شده و عرضه آن بدون رضایت همه پیش‌خریداران یا قائم‌مقام قانونی آن‌ها ممنوع است. همچنین به موجب قانون روابط موجر و مستأجر سال ۱۳۵۶ مستأجر نمی‌تواند بدون اجازه کتبی مالک مورد اجاره را به غیر اجاره دهد و الا اجاره فسخ و مالک می‌تواند بدون پرداخت حق کسب و پیشه مورد اجاره را تخلیه کند. چنانچه ادغام انتقال به حکم قانون باشد رضایت پیش‌خریداران و مالک در مثال‌های بالا شرط نیست.^۱

قبل از ابراز هرگونه نظر باید دید آیا می‌توان از عبارات مندرج در قوانین و مقررات راجع به آثار ادغام نتیجه‌ای گرفت؟

ماده ۱۰۵ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۸۹/۱۰/۱۵ در مورد آثار ادغام چنین بیان می‌کند: «کلیه حقوق و تعهدات، دارایی، دیون و مطالبات شرکت یا شرکت‌های موضوع ادغام، به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید منتقل می‌شود».

قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰ در مورد آثار ادغام ساکت است و صرفاً به موجب ماده ۵۳ آن به شرکت‌های تعاونی اجازه داده است در صورت تصویب مجامع عمومی فوق‌العاده و طبق مقررات آیین‌نامه اجرایی آن با یکدیگر ادغام شوند. لکن در ماده ۱۴ اصلاح آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور، مصوب ۹۲/۱/۱۸ مقرر شده پس از ثبت ادغام در مرجع ثبت شرکت‌ها، تمامی دارایی‌ها، حقوق، تعهدات، دیون، مطالبات و کارکنان شرکت‌های موضوع ادغام به شرکت پذیرنده و یا شرکت جدید منتقل شود.

هرچند در دو مقرر فوق انتقال کلیه حقوق شرکت‌های ادغام شده مجاز دانسته شده، لکن در مورد این‌که آیا حقوق غیر قابل انتقال نیز منتقل می‌شوند، ساکت است. لایحه تجارت شرکت جدید یا بازمانده در ادغام را قائم‌مقام شرکت یا شرکت‌های

۱. اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریه شماره ۷/۲۵۶۳ مورخ ۹۱/۱۲/۲۰ معتقد است چنانچه در شرکت سهامی خاص، انتقال سهام مشروط به موافقت هیأت مدیره باشد، رعایت شرط مذکور شامل انتقال سهم‌الشرکه توقیف شده به برنده مزایده از طریق اجرای احکام دادگاه نمی‌شود، زیرا رعایت شرط یاد شده در انتقال‌های ارادی الزامی است.

احمد بیگی حبیب‌آبادی و همکار _____ تأثیر ادغام شرکت‌ها بر شروط...

منحل شده می‌داند.^۱ همچنین ماده ۶۱۲ لایحه مزبور مراجع زیربط را مکلف کرده با تقاضای شرکت جدید یا بازمانده نسبت به اصلاح اسناد و مدارک مربوط به نام شرکت بازمانده یا جدید مطابق طرح ادغام اقدام کنند.^۲

شاید گفته شود بین جایی که قانونگذار شرکت جدید یا بازمانده در ادغام را جانشین یا قائم‌مقام شرکت‌های منحل می‌داند و جایی که صرفاً مقرر می‌شود کلیه حقوق، دارایی‌ها و تعهدات به شرکت بازمانده یا جدید منتقل می‌شود، باید تفاوت قائل شد؛ به این معنا که در حالت اول بدیهی است ادغام به حکم قانون است، اما در حالت دوم که صراحتی در مورد قائم‌مقامی شرکت جدید یا بازمانده وجود ندارد، حقوق غیر قابل انتقال به شرکت جدید یا بازمانده منتقل نمی‌شود.

به نظر می‌رسد چنین تفکیکی صحیح نباشد، زیرا در هر حال با انجام ادغام، شرکت جدید یا بازمانده قائم‌مقام عام و جانشین کلیه حقوق و تعهدات آنان می‌شود و صرف نقض شروط قراردادی مربوط به شرکت یا شرکت‌های منحل شده مانع ادغام نمی‌شود. در تحلیل موضوع باید گفت آثار هر عقد یا قرارداد به محض ایجاد ماهیت آن و بدون این‌که نیاز به اراده طرفین باشد ایجاد می‌گردد و آنچه متعلق قصد و اراده طرفین است ماهیت عقد است، نه آثار آن. بنابراین، چنانچه طرفین، ماهیت قرارداد ادغام را انشا کنند کلیه آثاری که قانونگذار بر آن مترتب ساخته است جریان پیدا می‌کند، بدون این‌که نیازی به اراده و قصد طرفین داشته باشد.

حال آنچه انتقال قهری را از انتقال ارادی متمایز می‌کند آن است که در انتقال قهری

۱. ماده ۶۱۰ لایحه مذکور چنین مقرر می‌دارد: «شرکت‌های جدید در تجزیه کلی و ادغام مرکب و نیز شرکت بازمانده در ادغام ساده قائم‌مقام شرکت یا شرکت‌های منحل شده‌اند. شرکت جدید در ادغام مرکب و نیز شرکت بازمانده در ادغام ساده می‌توانند به قائم‌مقامی شرکت‌های منحل شده دعاوی آن‌ها علیه اشخاص ثالث را پیگیری یا علیه اشخاص ثالث اقامه دعوا کنند. اشخاص ثالث نیز می‌توانند دعاوی خود علیه شرکت‌های منحل شده را علیه شرکت جدید یا بازمانده پیگیری یا مطرح کنند...».

۲. ماده ۶۱۲ لایحه فوق چنین مقرر می‌دارد: «در صورت ثبت ادغام یا تجزیه، مراجع زیربط از جمله سازمان ثبت اسناد و املاک کشور باید با تقاضای شرکت جدید یا بازمانده مبنی بر اصلاح اسناد و مدارک مربوط به نام شرکت بازمانده یا جدید مطابق طرح تجزیه یا ادغام اقدام کنند...».

و به حکم قانون، انتقال حقوق و تعهدات بدون دخالت قصد طرفین انجام می‌شود، مانند مرگ که موجب انتقال حقوق و تعهدات به وراثت است، لکن در انتقال ارادی، انتقال حقوق و تعهدات با دخالت قصد طرفین در ایجاد ماهیت حقوقی محقق می‌شود، هرچند اثر آن بدون نیاز به اراده طرفین جاری می‌شود.

در چنین حالتی چنانچه در یکی از قراردادهای منعقدشده بین شرکت ادغام شده و شخص ثالث به موجب شرط مقرر در قرارداد انتقال بعضی از حقوق منع شده باشد، ادغام می‌تواند نقض شرط قراردادی تلقی شود. به عبارت دیگر، قائم‌مقام بودن شرکت بازمانده یا جدید مانع تمسک شخص ثالث به ضمانت اجرای نقض شرط قراردادی نیست.

همان‌گونه که ملاحظه شد، به موجب ادغام شرکت بازمانده یا جدید قائم‌مقام شرکت‌های منحل می‌گردد و در ارتباط با قراردادهای منعقد بین شرکت‌های منحل شده و اشخاص ثالث ادغام موجب انتقال موقعیت قراردادی می‌گردد.

حال سؤالی که در این ارتباط مطرح می‌شود آن است که چنانچه ادغام بدون رعایت حقوق شخص ثالث انجام شود، چه ضمانت اجرایی برای تخلف از شرط وجود دارد. همان‌طور که قبلاً بیان شد، در حقوق امریکا براساس یک قاعده تفسیری، هنگامی که شرط قراردادی معارض با قانون باشد، قانون حاکم است؛ لکن در حقوق ما علی‌الاصول نمی‌توان چنین تفسیری را پذیرفت، زیرا با تفسیر قانون نمی‌توان حقوق مکتسب افراد را نادیده گرفت.

در مواردی که عدم انتقال به موجب شرط مقرر در قرارداد است، معمولاً به دو نحو در قرارداد عمل می‌گردد. گاه به موجب شرط، شخص متعهد می‌شود حق خود را اعمال نکند و گاه به صورت سلب حق است. در حالت اول، بدیهی است شرط ترک فعل حقوقی است. در حالت دوم، بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. بعضی معتقدند شرط مقرر در قرارداد شرط نتیجه [۲۱، ص ۲۴۴] است و بعضی دیگر اعتقاد دارند شرط ترک فعل حقوقی است، زیرا شرط ترک فعل از مصادیق سلب حق محسوب می‌شود [۲۲، ص ۲۶۸]. استدلال آن‌ها این است که اهلیت تمتع و اهلیت استیفا از جنس حق به معنای خاص آن نیست و جنبه حکمی دارد و سلب حق از فرد امکان‌پذیر نیست و بدین لحاظ،



احمد بیگی حبیب‌آبادی و همکار ————— تأثیر ادغام شرکت‌ها بر شروط...

در تعبیر خود از عبارت «تعهد به سلب حق» استفاده کرده‌اند [۲۳، ص ۱۲]. به نظر می‌رسد عبارت تعهد به سلب حق عبارت رسایی نباشد، زیرا اگر سلب حق امکان‌پذیر نباشد، تعهد به آن نیز تعهد به امر غیرمقدور و محال و در نتیجه باطل است.

همین اختلاف نظر در محاکم امریکا نیز به چشم می‌خورد. بعضی از دادگاه‌ها بین حق انتقال^۱ و قدرت بر انتقال^۲ تمایز قائل شده‌اند و معتقدند در شرط عدم انتقال، شخص قدرت خود برای یک انتقال معتبر را حفظ می‌کند، ولی حق شخص برای انتقال بدون نقض قرارداد از بین می‌رود [۲۳، ص ۱۲]. به عبارت دیگر، درج شرط عدم انتقال موجب سلب اهلیت استیفا شخص نمی‌شود؛ ولی آزادی وی در اعمال حقوق خود به لحاظ این‌که موجب نقض قرارداد می‌گردد، محدود می‌شود.

حال چنانچه سلب حق به معنای از دست رفتن اهلیت استیفا باشد و شخص اختیار اجرای حق را به نحو جزئی از دست بدهد، در این صورت اجرای آن حق بلا اثر است [۲۴، ص ۱۵۸]. ماده ۴۵۴ و ۴۵۵ قانون مدنی نیز مؤید این تحلیل است و در این حالت از حیث ماهیت می‌توان گفت چنین شرطی، شرط نتیجه است که موجب سقوط حق می‌شود. بعضی از مؤلفان حقوق، علیرغم این‌که سلب حق را از حیث ماهیت شرط نتیجه می‌دانند [۲۱، ص ۲۴۴]، اما در مقام ارائه راه‌حل آن را شرط فعل منفی تلقی کرده‌اند و معتقدند در این حالت مشروط‌له می‌تواند به استناد اختیار تخلف از شرط عقد را فسخ کند یا ابطال آن را از دادگاه بخواهد یا خسارت ناشی از عدم انجام تعهد را بخواهد [۲۵، ص ۹۳].

به نظر می‌رسد آنچه ملاک عمل در این ارتباط است، قصد طرفین است. چنانچه قصد طرفین در درج شرط عدم انتقال سلب حق باشد، در این صورت بر اجرای حق هیچ اثری مترتب نمی‌شود. برای مثال در دادنامه شماره ۲۱/۱۶۷ مورخ ۱۳۷۲/۴/۴ مطروحه در شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور، در قرارداد مورد اختلاف شرط شده مستأجر بدون موافقت موجر تحت هیچ عنوانی حق ندارد مورد اجاره را به غیر واگذار کند و در صورت انتقال این عمل بلااثر و محکوم به بطلان است. دیوان معتقد

1. Right to assign
2. Power to assign

است چنین شرطی شرط نتیجه بوده، انتقال بعدی بلااثر است [۲۶، ص ۳۱۶]. لکن چنانچه قصد طرفین، متعهد کردن مشروط‌علیه بر عدم استفاده از حق باشد، در این صورت ماهیتاً شرط ترک فعل حقوقی بوده، ضمانت اجرای آن حق فسخ قرارداد برای مشروط‌له به لحاظ تخلف از شرط یا تقاضای اخذ خسارت به لحاظ نقض شرط است. در مواردی که به موجب قانون انتقال حقوق، منوط به موافقت مرجع یا مقام خاصی است، به نظر می‌رسد ادغام، بدون موافقت آن مرجع موجب انتقال آن حقوق نمی‌شود، زیرا نقل و انتقال برخلاف قانون و باطل است.

۴. نتیجه و پیشنهاد

در حقوق امریکا، دادگاه‌های این کشور در مورد اثر ادغام بر شروط قراردادی و مقررات قانونی اختلاف نظر دارند و سه نظریه در این ارتباط ابراز شده است: (۱) نظریه انتقال به حکم قانون، (۲) نظریه نقض شرط، (۳) نظریه بینابین. بیش‌تر قوانین و دادگاه‌ها در این کشور معتقدند ادغام، موجب نقض شرط عدم انتقال نمی‌شود، زیرا معتقدند این امر مانع تجارت آزاد شده، ادغام را مواجه با مقررات دست و پاگیر می‌سازد که ضرورتی ندارد.

طرفداران نظریه اول و دوم از روش صوری و مبتنی بر معنای ظاهر لفظ برای تفسیر استفاده می‌کنند، در حالی که به طرفداران نظریه بینابین روش کارکردی را در تفسیر به کار می‌گیرند و معتقدند صرف انتقال از طریق ادغام نباید موجب نقض شروط قراردادی شود، لکن چنانچه ادغام موجب بروز خطر یا ضرر بیش‌تر برای مشروط‌له باشد، انجام ادغام موجب نقض تعهدات قراردادی می‌گردد.

در حقوق ایران، تاکنون این مسأله در میان حقوقدانان مطرح نشده است، لکن آنچه از اصول و مبانی حقوقی ایران می‌توان استنباط کرد آن است که جز در موارد ادغام به حکم قانون، چون ادغام با اراده شرکت‌ها انجام می‌پذیرد، به نظر می‌رسد نظریه دوم مطروح در حقوق امریکا با حقوق ایران همخوانی بیش‌تری دارد.

حال که لایحه تجارت مراحل قانونی خود را جهت تصویب نهایی طی می‌کند، پیشنهاد می‌شود از آن‌جا که ادغام شرکت‌ها می‌تواند موجب تقویت فضای تجاری

احمد بیگی حبیب‌آبادی و همکار _____ تأثیر ادغام شرکت‌ها بر شروط...

کشور شود، تمهیدی اندیشیده شود، قائم‌مقامی عام شرکت جدید یا بازمانده مستلزم ضرر برای اشخاص ثالث یا عدم رعایت مقررات قانونی نگردد. بدین لحاظ، پیشنهاد مشخص آن است که ماده ۶۰۱ قانون لایحه تجارت^۱ به شرح زیر اصلاح شود:

«ماده ۶۰۱. در مورد ادغام یا تجزیه، هریک از دارندگان اوراق بهادار، بستانکاران و یا کلیه اشخاص ذینفعی که منشأ طلب یا حقوق آن‌ها قبل از تاریخ نشر آخرین آگهی مذکور در ماده ۶۰۰ این قانون باشد می‌توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی، اعتراض خود را در مورد ادغام یا تجزیه به دادگاه تقدیم کنند. در صورت اعتراض، دادگاه به موضوع رسیدگی می‌کند و چنانچه ادغام متضمن ضرر برای اشخاص ثالث باشد، تأیید ادغام منوط به تأمین حقوق آنان خواهد بود.

تبصره: در صورتی که انتقال حقوق قراردادی به موجب قانون مستلزم تأیید مرجع یا مقام خاص باشد، انتقال حقوق مستلزم تأیید آن مقام یا مرجع خاص است.»

۵. منابع

- [1] Joshua G, Graubart, *Unintended Consequences: State Merger Statutes and Non-assignable Licenses*, Duke Law & Technology Review, No.25, North Carolina, USA, 2003.
- [2] Clarkson, Kenneth W., *West's Business Law*, 6th ed., New York, West Publishing Company, 1995.
- [3] Roe, Mark J., *Mergers, Acquisitions, and Tort: A Comment on the Problem of Successor Corporation Liability*, Vol. 70, Virginia Law Review, 1984.
- [4] Shaffer, Brent C., *The Lublease and Assignment Deskbook: Legal issues*,

۱. ماده ۶۰۱. «در مورد ادغام یا تجزیه، هریک از دارندگان اوراق بهادار و یا بستانکارانی که منشأ طلب آن‌ها قبل از تاریخ نشر آخرین آگهی مذکور در ماده ۶۰۰ این قانون باشد می‌توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی، اعتراض خود را در مورد ادغام یا تجزیه به دادگاه تقدیم کنند.»

Forms, and Drafting Techniques for Commercial Lease Transfers, ABA Publishing, USA, 2012.

- [5] Stark, Tina L, *Negotiating and Drafting Contract Boilerplate*, ALM Properties Inc., Library of Congress, USA, 2003.
- [6] Dobbs, Jolisa, *Keeping it Fast by Merging around Consents to Assign*, State Bar of Texas Oil, Gas, and Energy Resources Law Section Report, Texas, 2006.
- [7] Yang, Sung, ” Considerations for the Patent Holder: the Transfer of Patent Licenses in the Context of a Merger”, *The Journal of Law and Technology*, Washington DC, Vol.42, No4, 2002.
- [8] H. Justin, Pace, “Anti-Assignment Provisions, Copyright Licenses, and Intra-Group Mergers: The Effect of Cincom v. Novelis”, *Northwestern Journal of Technology and Intellectual Property*, Vol.9, No.3, Chicago, Illinois, 2010.
- [9] Peter E. Fisch, ”Reverse Triangular Mergers and Non-Assignment Clauses”, *New York Law Journal*, Vol. 251, No. 72, 2014.
- [10] Ballew, Steven E., *The Assignment of Rights, Franchises, and Obligations of the Disappearing Corporation in a Merger*, Vol. 38, *The Business Lawyer*, 1982.
- [11] Shaffer, Brent C., *The Sublease and Assignment Deskbook*, American Bar Association, USA, 2006.
- [12] Jerome Rosenstock, *Transferring Invention Rights: Effective and Enforceable Contracts*, Aspen Publisher, New York, 2009.
- [13] Egan, Byorn F., *Special Issues in Asset Acquisitions, 15th Annual National Institute on Negotiating Business Acquisitions*, Las Vegas, New York, 2010.
- [14] Glazer Daniel C., “Effects of Mergers on Non-Assignable clause

- Agreements”, *New York Law Journal*, Vol. 246, No.9, New York, 2011.
- [15] Shenberg, Michael S. & Peguero, “Antonio, Does a Merger Violate a Contract’s Non-Assignment Clause?”, No. 7, *The New York Law Journal*, 1998.
- [16] Rustad, Michael, *Software Licensing: Principles and Practical Strategies*, Oxford University Press, New York, 2010.
- [17] Michael L. Rustad, *Software Licensing Principles and Practical Strategies*, Oxford University Press, New York, 2010.
- [18] Tom Baker, *Meet Your New Insured: Successors’ Rights to Insurance Assets in Corporate Transactions*, American Bar Association, Vol. 14, No.5, 2004.
- [19] John T. Waldron, “Assignment of Liability Insurance Rights for Latent Injury and Damage Claims”, *Connecticut Insurance Law Journal*, Vol.14, No.2, 2008.
- [20] Shannon D. Kung, “The Reverse Triangular Merger Loophole and Enforcing Anti-assignment Clauses”, *Northwestern University Law Review*, Vol. 103, No. 2, USA, 2009.
- [۲۱] کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، تهران، بهنشر، ۱۳۶۸.
- [۲۲] محقق داماد، مصطفی، نظریه عمومی شروط، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۸.
- [۲۳] فروغی، علیرضا، «آثار و ویژگی‌های حق از دیدگاه فقه امامیه و قانون مدنی»، فصلنامه علمی - پژوهشی دانش حقوق مدنی، شماره نخست، بهار و تابستان ۱۳۹۱.
- [۲۴] امامی، حسن، حقوق مدنی، ج ۴، تهران، کتابفروشی اسلامییه، ۱۳۷۶.
- [۲۵] کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی اموال و مالکیت، تهران، مؤسسه نشر یلدا، ۱۳۷۷.
- [۲۶] بازگیر، یدالله، قانون مدنی در آراء دیوان عالی کشور - عقود و تعهدات، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۹.